



الگوی مواجهه امام کاظم (علیه السلام) با تهدیدهای نرم سیاسی فرهنگی

دریافت: ۱۴۰۰/۹/۱ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۳

مرتضی نجفی^۱، علی باقی نصرآبادی^۲

چکیده

تهدید نرم گرچه مفهومی مدرن است، اما همواره در معادلات امنیتی و مناسبات سیاسی و فرهنگی بوده و تهدیدگرها از آن برای کنارزدن رقیب، استفاده کرده و تهدیدشونده‌ها نیز الگوهای مختلفی را برای مقابله با آن به کار برده‌اند. امام کاظم (علیه السلام) در عصر خود به‌عنوان یک دوران پیچیده، با کاربست الگویی موفق توانست جامعه شیعه را از تهدیدات نرم سیاسی فرهنگی مصون و آن را هدایت کند. سوال اصلی تحقیق این است که ماهیت الگوی مواجهه آن حضرت در مقابله با تهدیدات نرم سیاسی فرهنگی چیست و عناصر تشکیل دهنده آن کدام است؟ برای پاسخ علمی به این پرسش و دستیابی به هدف، از روش اسنادی و شیوه توصیفی تحلیلی استفاده شده است. فرضیه پژوهش، منطق رفتاری وحدت در عین کثرت در شیوه مواجهه با تهدیدات نرم است. یافته‌ها بیانگر این موضوع است که الگوی مقابله آن حضرت با توجه به شرایط پیچیده (نه بسیط) حاکم، از منطق و اصول ثابتی برخوردار و روح تعلیمات دینی و فرامین الهی در اقدامات جاری بود. در عین حال، ماهیت ثانوی این الگو به دلیل شرایط خاص زمانه آن حضرت از حیث فرهنگی سیاسی و موقعیت تهدیدگران و همچنین وضعیت شیعیان و شرایط پیچیده شکل گرفت. این پژوهش به این نتیجه اجمالی رهنمون شد که الگوی موفق و اسلامی تابع دورکن است: رکن ثابت و تخلف‌ناپذیر که منبعث از اصول دینی است و رکن متغیر که تابع مقتضیات زمان و متناسب با شرایط عناصر تهدید و شرایط فضای زمانه است که به الگو و سیره امام ماهیت وحدت در عین کثرت داده است.

کلیدواژه‌ها: امام کاظم (علیه السلام)، الگوی مواجهه، تهدیدات نرم، تهدیدهای نرم سیاسی فرهنگی، مقابله.

۱. دانش آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم و عضو هیئت علمی گروه فقه پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (علیه السلام) (نویسنده مسئول): najafi4321@gmail.com

۲. استادیار پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (علیه السلام): baqi1341@gmail.com

مقدمه

امنیت‌پژوهی در جامعه علمی ایران از رهگذر رشد و توسعه‌ای که در دو دهه اخیر داشته است، گرچه نتایج ارزشمندی را بر جای گذاشت، اما دیدگاه‌های بومی امنیت‌پژوهی تا رسیدن به نقطه مطلوب فاصله زیادی دارد. در این مسیر، یکی از راه‌های تقویت و ارتقای امنیت‌پژوهی بومی، کشف الگوهای امنیت‌سازی و مدیریت تهدیدات در سیره ائمه اطهار (علیهم‌السلام) است، زیرا یکی از منابع شناخت از نظر اسلام، سیره معصومین (علیهم‌السلام) است؛ یعنی علاوه بر سخنان‌شان، سیره و روش آن‌ها منبعی برای شناخت است (مطهری، ۱۳۸۳: ۲۹). لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ (احزاب، ۲۱).^۱

گرچه این آیه قرآن مربوط به پیغمبر اکرم است، ولی از نظر شیعه، اسوه و الگو بودن سیره پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ائمه برای پیروان‌شان هیچ فرقی نمی‌کند. برای بررسی الگو و سیره سیاسی، فرهنگی و امنیتی معصومین می‌توان به دو صورت انجام داد: سیره یک پیشوای معصوم ۲۵۰ ساله یا سیره هر یک از ائمه اطهار (علیهم‌السلام) به صورت مجزا. هر یک از این دو پژوهش دارای محسناتی است. در این پژوهش، سیره امام کاظم (علیه‌السلام) در مواجهه با تهدیدات نرم مبنای بررسی قرار گرفت. اهمیت این بررسی این است که دوره ۳۵ ساله آن حضرت یکی از مهم‌ترین مقاطع زندگی ائمه (علیهم‌السلام) است. زعامت امام مقارن با چهار حکومت چهار نفر از خلفای عباسی بوده و دو تن از آن‌ها مقتدرترین سلاطین بنی‌عباسی محسوب می‌شدند. از این رو، به موازات تهدیدات سخت و نرم پیچیده حکومت عباسیان علیه اسلام ناب، هویت جامعه شیعه و جایگاه ولایت امری امام موسی بن جعفر (علیه‌السلام)، جریان‌های فکری و عقیدتی و فرصت‌طلبی نیز در این دوران وجود دارند که برخی به اوج رسیده و برخی زاده شده‌اند. از این رهگذر، فضای ذهنی جامعه اسلامی را از تعارضات، انباشته و حربه‌ای در دست قدرتمداران، آفتی در هوشیاری اسلامی و سیاسی مردم گشته و میدان را بر علم‌داران صحنه معارف اسلامی و صاحبان دعوت علوی، تنگ و دشوار ساخته بود (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۳۳۵). در واقع امام کاظم (علیه‌السلام) در این دوران با فضای بسیار پیچیده و با تهدیدات سخت،

۱. قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست.

نیمه سخت و نرمی روبه رو بود که برای مصون سازی جامعه اسلامی، انسجام جامعه شیعه و هدایت جامعه به اسلام ناب و نظام ولایی نیازمند مبارزه و مدیریت هوشمندانه و مقابله دوراندیشانه و حکیمانه‌ای با آن‌ها بود. باور به اینکه علم و رفتار امام کاظم (علیه السلام) مانند سایر معصومین دارای جامعیت، عمق و ژرفای بی کران است،^۱ این سوال را متبادر ساخت که با چه الگویی امام کاظم (علیه السلام) با تهدیدات نرم و پیچیده زمانه خویش مواجه شد و با آن‌ها مقابله کرد؟ تردیدی نیست که تمام گفتار، رفتار و سیره امامان معصوم از منطق و اسلوب خاصی پیروی می‌کنند؛ منطق و معیاری که تابع مقتضیات زمان و مکان نیست. حتی توجه و لحاظ مقتضیات و شرایط زمان برای عمل به تکلیف خود اصل ثابتی است که جزو منطق رفتاری ائمه بود. ارزشمندی کشف الگو و منطق مواجهه و مقابله امام کاظم (علیه السلام) با تهدیدات نرم زمانه خویش در کار بست آن برای شرایط کنونی است به خصوص اینکه شباهت‌های زیادی بین تهدیدات نرم دوره آن حضرت با شرایط حاضر وجود دارد. با این وصف، مسئله اصلی پژوهش، کشف الگوی عملی امام موسی بن جعفر (علیه السلام) در مقابله با تهدیدات نرم سیاسی فرهنگی است. در نتیجه، چیرستی منطق تخلف‌ناپذیر در الگوی عملی و عوامل و شرایط محیطی مورد توجه آن حضرت برای کار بست الگوی عملی کارآمد در مواجهه با تهدیدات نرم سیاسی فرهنگی برای کشف این الگو، ضروری به نظر رسید.

۱. مبانی نظری

۱-۱. مفاهیم

برای دستیابی به درک بهتر الگوی مواجهه امام کاظم (علیه السلام) در برابر تهدید نرم توجه به تعریف واژگان کلیدی ذیل ضروری است:

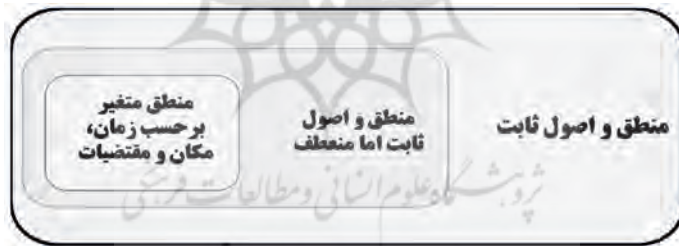
۱. پیغمبر اکرم ﷺ به امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: لَقَدْ أُعْطِيَ جَوَامِعَ الْكَلِمِ وَ لَقَدْ أُعْطِيَ بِأَعْيُنِ جَوَامِعِ الْكَلِمِ وَ أُعْطِيَ عَلَى جَوَامِعِ الْعِلْمِ (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ ق، ج ۱: ۲۶۰). استاد مطهری در توضیح این حدیث می‌گوید همان‌طور که سخنان پیغمبر عمیق است، رفتار پیغمبر هم آن قدر عمیق است که از جزئی‌ترین کار پیغمبر می‌شود قوانین استخراج کرد (همان، ۴۵). آیت الله جوادی املی نیز گفت که «جَوَامِعُ الْكَلِمِ» قواعد عمومی است برای حل مشکلات دنیا (جوادی املی، درس خارج فقه، ۱۳۹۱/۳/۶).

واژه «الگو» در فارسی، به معنای «نمونه» به کار می‌رود و معادل آن در عربی «مثال»، «امام»، «اسوه» و «قدوه» است که به معنای مقتدا و کسی است که به او تأسی و از شیوه عملی او استفاده شده است. سیره در ادبیات تاریخ نگاری دینی با مفهوم الگو قرابت دارد. سیره رفتاری است که دارای روش، اسلوب و سبک ویژه باشد (ر.ک: مطهری، ۱۳۶۹: ۴۵)، اما در تعریف اصطلاحی، الگو نمایشی خاص از یک واقعیت است. به بیان دیگر، نمایش نظری و ساده شده از جهان واقعی است (سورین و دیگران، ۱۳۸۶: ۶۵). از تعریف لغوی و اصطلاحی الگو می‌توان دو کارکرد را در این مقاله انتظار داشت: انتظار اول این است که از طریق الگوها پدیده‌های پیچیده قابل درک شود و مقابله با مسائل پیچیده تهدید نرم را تجزیه و تحلیل کرد. دومین انتظار الگو برداری از سیره و سبک در مواجهه با پدیده تهدیدات نرم برای شرایط حال و آینده است؛ بنابراین، تعریف عملیاتی الگوی مواجهه در این تحقیق رفتار هوشمندانه امام کاظم (علیه السلام) در چگونگی مقابله با تهدیدات نرم بر اساس منطق شرایط و متغیرهای متعدد و پیچیده محیطی از یک سو و اصول و معیارهای ثابت دینی از سوی دیگر است.

در خصوص تهدید نرم به عنوان دومین متغیر کلیدی این پژوهش، تلقی واحدی وجود ندارد. برخی نرم بودن تهدید را بر اساس ابزار و شیوه‌های تهدید تعریف کردند و بر این پایه، تهدید نرم به آن دسته تهدیداتی گفته می‌شود که در آن از ابزارها و شیوه‌های غیرخشونت آمیز استفاده شود. برخی نرم بودن تهدید را از منظر هدف و سوژه تهدید بررسی کرده‌اند. از این نظر، تهدید نرم مجموعه اقداماتی در صدد تغییر نگرش‌ها، افکار و علایق افراد یا جامعه است. این پژوهش به تهدید نرم نگاه ترکیبی دارد و به تهدیداتی اطلاق می‌شود که ماهیت آن‌ها ناظر بر مقولات ذهنی است و با به کارگیری ابزارهای غیرخشونت بار همراه است (افتخاری، ۱۳۹۱: ۵۰). البته در موارد خاص ممکن است تهدیدگر از ابزارهای سخت برای اهداف نرم نیز استفاده کند. همچنین تهدید نرم به تناسب متعلق آن، دارای ابعادی است که به تهدید نرم فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی قابل بُعدسازی است. تهدیدات نرم در این پژوهش وجوه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را شامل می‌شود.

۲-۱. چهارچوب نظری

چهارچوب نظری در پژوهش علمی، راهنمای محقق برای فرایند تحقیق و توجیه تئوریک متغیرهای پژوهش است. دو متغیر اصلی در این پژوهش، سیره مواجهه امام کاظم (علیه السلام) با تهدید نرم است. چهارچوب نظری به عنوان توجیه کننده رابطه بین متغیرهای این پژوهش، منطق حاکم بر رفتار کنشی و واکنشی (مواجهه) است. منظور از منطق، یک سلسله روش‌ها، اسلوب، اصول و معیارهایی است که بر رفتار اشخاص یا مدیریت تهدید حاکم است. به طور کلی، در این زمینه سه دیدگاه قابل طرح است: ۱. رفتار یک انسان در تمام شرایط زندگی تابع منطق واحد و ثابتی است. ۲. رفتار یک انسان همواره تابع شرایط زمانی، مکانی و شرایط زندگی است و در هر وضعی از شرایط اجتماعی و اقتصادی از یک منطق پیروی می‌کند. ۳. انسان در هر شرایط از منطق ثابت و اصیلی پیروی کند، در عین حال، متناسب با شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و اقتضائات زمانی و مکانی، شکل و سبک متغیری داشته باشد (ر.ک. مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱۶: ۵۹-۷۴).

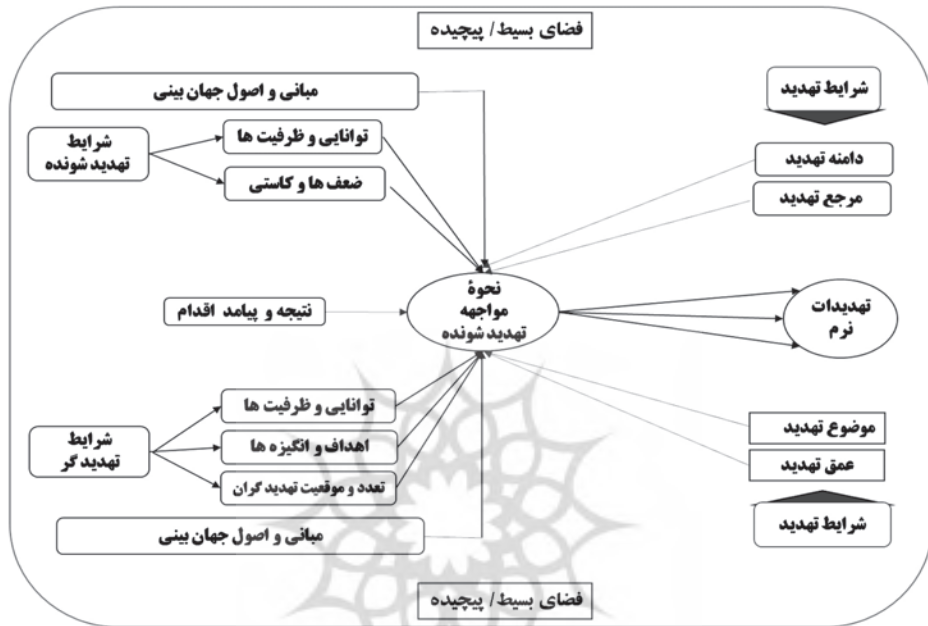


توضیح اینکه اگر استراتژی مواجهه نتیجه عملی تولید شده از درون یک نظام معرفتی باشد، در آن صورت می‌توان با لحاظ کردن مؤلفه‌های اساسی منطق به سه صورت ارزیابی کرد: منطقی (که امکان توفیق بالایی برخوردار است) ضد منطق (که به احتمال قوی به شکست می‌انجامد) و سرانجام غیرمنطقی (که استراتژی ناپایداری بوده و در مواجهه با مشکلات اجرایی در صحنه عمل، دچار تغییر و تحول شده به یکی از دو حالت منطقی یا ضد منطقی تبدیل می‌شود). از این رو، در یک رفتار منطقی، منطق اولیه حکم به تبعیت از اصول اصیل و تخلف ناپذیری از آن و منطق ثانویه حکم به لحاظ کردن توانایی‌ها و

شرایط محیطی دارد و مجموع این ارکان، یک استراتژی را منطقی، غیر منطقی و ضد منطقی می‌سازد (ر.ک: افتخاری، ۱۳۸۰: ۵۱۰-۵۱۴). در نتیجه، الگوی رفتاری یا استراتژی^۱ مواجهه دارای دو منطق و اصل کلی است: ۱. منطق ثابت و تغییرناپذیر ۲. منطق متغیر و مبتنی بر شرایط و مقتضیات زمانی و محیطی و ظرفیت‌ها و توانایی‌های عامل که در چهارچوب منطق اولیه ماهیت متغیر دارد؛ بنابراین، منطق و معیار ثابت در مواجهه با پدیده‌ها تابع جهان بینی هاست، اما شکل و نحوه مواجهه تابع عوامل متعدد محیطی و شرایط زمانی و مکانی است. هر چند این حکم خودش به نوعی اصل ثابت و ناشی از جهان بینی و حکمت نظری است. با این وصف، عوامل و شرایطی که بر نحوه مواجهه و مقابله تأثیر می‌گذارد و منجر به تفاوت تصمیم و اقدام یک فرد یا رهبر نسبت به دیگران می‌شود، عبارت است از: ۱. توانایی‌ها، ظرفیت‌ها، ضعف‌ها و کاستی‌ها و شرایطی جبهه خودی یا تهدیدشونده. ۲. شرایط و توانایی‌ها و اهداف و انگیزه‌های تهدیدگر ۳. نتیجه و پیامد اقدام تهدیدشونده. ۴. تعدد تهدیدگرها و موقعیت آن‌ها که آیا بین آن‌ها موقعیت تعارض یا تقاطع یا تراکم وجود دارد یا نه؟ ۵. موضوع تهدید. آیا با یک موضوع روبه‌رو هستیم یا با چند موضوع؟ اگر چند موضوع است، آیا متراکم و به هم تنیده و وابسته است یا متقاطع و از هم جدا؟ ۶. مرجع تهدید. کدام ارزش‌های اساسی در معرض تهدید است؟ ۷. عمق تهدید. آیا تهدید، ارزش‌های اساسی و حیاتی را در معرض قرار داده است یا ارزش‌های درجه ۲ یا ۳؟ ۸. فضای حاکم بر معادلات امنیتی. آیا فضای حاکم بر تهدیدگر و تهدیدشونده، بسیط است یا پیچیده؟ «ویژگی بارز فضای بسیط، تک منطقی بودن آن است؛ یعنی تهدید بر مبنای منطق واحدی شکل و تکوین یافته است. ویژگی بارز فضای پیچیده چندمنطقی بودن آن است؛ یعنی تهدید از کانون‌ها و علل متعددی ناشی می‌شود» (ر.ک: افتخاری، ۱۳۸۰: ۵۱۰-۵۱۴ و همان، ۱۳۸۵: ۲۱۷-۲۲۱). یکی از نتایج کاربردی تفکیک فضای پیچیده و بسیط، در نحوه مدیریت تهدید است. در فضای بسیط برای مدیریت تهدید می‌توان از منطق واحدی بهره گرفت، اما در فضای پیچیده لازم است که حوزه‌های مختلف تفکیک شده و منطق حاکم بر هر حوزه را فهم کرد و

۱. در این جا مراد جوهره استراتژی است که به معنای تصمیم و اقدام برای هدایت است.

مجموعه این منطق‌های جداگانه را در یک ساختار نظری واحد گرد آورد و نحوه مواجهه با آن‌ها را سامان داد.



این نکته نیز حائز اهمیت است که محققان در خصوص معادلات امنیتی از جمله مدیریت تهدید و بالابردن ضریب امنیتی، منطق‌های مختلفی را براساس مبانی گفتمانی مطرح کرده‌اند. برخی سه منطق زور یا سلطه، منطق اقناع و منطق جماعت را مطرح کرده‌اند (ر.ک: افتخاری، ۱۳۸۰: ۵۱۱). برخی به پنج منطق زور یا سلطه محض، منطق اقناع، منطق رقابت و منطق همکاری اشاره کرده‌اند (خلیلی، ۱۳۹۱: ۱۲۴). شهید مطهری در یک معنای موسع‌تر، معتقد است که هر یک از افراد و مکتب‌ها دارای منطق رفتاری خاص است. منطق زور، منطق فریب و خدعه، منطق محبت و اخلاق، منطق دوراندیشی و تدبیر، منطق صبر، منطق تماوت و مرده‌وشی و منطق قاطعیت از جمله این منطق‌هاست (ر.ک: مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱۶: ۵۰-۵۴ و ۷۲). افزون بر این، برخی از الگوهای رفتار از منطق ترکیبی پیروی می‌کنند. در هر صورت، نکته کلیدی این است که هر الگوی

رفتاری ممکن است از یک منطق یا ترکیبی از منطق‌ها پیروی کند. ماهیت این منطق و نحوه ترکیب آن‌ها، یک الگوی رفتاری را از الگوهای دیگر متمایز می‌سازد.

۱-۳. پیشینه تحقیق

در خصوص امام کاظم (علیه السلام)، آثار متعددی به صورت کتاب و مقاله تدوین شده است. محتوای مجموع این آثار در چند حوزه قابل دسته‌بندی است.

۱. سیره فرهنگی و اجتماعی امام کاظم (علیه السلام): بخشی از آثار منتشر شده در این زمینه به سیره فرهنگی و اجتماعی آن حضرت پرداخته‌اند که برای نمونه می‌توان به مقاله «گونه‌شناسی روایات سیره اجتماعی سیاسی امام کاظم (علیه السلام)» نوشته صرامی (۱۳۹۲) و «سیره فرهنگی امام کاظم (علیه السلام)» نوشته حسینی (۱۳۹۷)، «حیات فرهنگی امام موسی کاظم (علیه السلام)» نوشته نجفی نژاد (۱۳۹۷) و کتاب «آیین برنامه‌سازی زندگی امام کاظم (علیه السلام)» نوشته رضایی آدریانی (۱۳۸۹) و «بررسی ابعاد توفیق امام کاظم (علیه السلام) در حفظ و گسترش تشیع» نوشته قاضوی (۱۳۹۴) و کتاب «نگاهی به سیره تربیتی امام کاظم (علیه السلام)» نوشته نادری (۱۳۹۴) اشاره کرد. با تتبعی که بر محتوای این آثار انجام شد، الگوی مواجهه با تهدیدهای گوناگون دیده نشد.

۲. سیره سیاسی امام کاظم (علیه السلام): در خصوص سیره سیاسی امام کاظم (علیه السلام) از زاویه مختلفی پرداخته شده است. از جمله: مقاله «منش سیاسی امام کاظم (علیه السلام) در برخورد با خلفای هم‌عصرشان» نوشته رضوی (۱۳۹۷). مقاله «گفتمان و زمانه سیاسی امام موسی کاظم (علیه السلام) نوشته قاضوی و بیات (۱۳۹۲) که با استناد به شواهد تاریخی و تحلیل آن‌ها، تأثیر عنصر زمانه را به لحاظ سیاسی بر مواضع سیاسی امام موسی کاظم (علیه السلام) بررسی کرده‌اند. کتاب «انسان ۲۵۰ ساله»، نوشته آیت الله خامنه‌ای (۱۳۹۰) که یکی از فصول این کتاب به زندگی سیاسی مبارزاتی ایشان اختصاص یافته است. مقاله «راهبرد و مواضع سیاسی امام کاظم (علیه السلام) در مقابل خلفای عباسی»، نوشته سیدحسن قاضوی و علی بیات و مقاله «استراتژی امام کاظم (علیه السلام) و هژمونی حاکمان عباسی»، نوشته پورفرد که در مجموعه

مقالات همایش سیره و زمانه امام کاظم (علیه السلام) منتشر شد. مقاله سیره سیاسی امام کاظم (علیه السلام) که مرکز مطالعات شیعه منتشر کرد. مقاله «شیوه‌های مبارزه سیاسی امام کاظم (علیه السلام) نوشته انصاری (۱۳۸۶) و مقاله «بررسی رویکردهای سیاسی و معنوی امامت شیعه در زندگی امام کاظم (علیه السلام) نوشته چلونگر و نجاتی (۱۳۹۴) و مقاله «تحلیل سازوکارهای معرفی امام رضا (علیه السلام) توسط امام کاظم (علیه السلام) نوشته جهانبازی و همکاران (۱۳۹۹) و کتاب «مروری بر اندیشه‌های سیاسی و اخلاقی امام کاظم (علیه السلام) نوشته بهشتی (۱۳۹۴). این آثار نیز به مواضع و راهبرد سیاسی حضرت پرداخته‌اند و از مزیت الگودهی بر اساس منطق ثابت و متغیری که در متن می‌آید، بی بهره‌اند.

۳. وضعیت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دوره امام کاظم (علیه السلام): در این زمینه متون زیادی منتشر شده است. برخی از آن‌ها عبارت است از: مقاله «مدیریت و سبک زندگی سیاسی فرهنگی امام موسی کاظم (علیه السلام) با تکیه بر نقش امام در گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی» نوشته شجاعی فرد (۱۳۹۳). مقاله «جبهه‌بندی قدرت‌های وقت در برابر امام کاظم (علیه السلام)» نوشته پیشوایی (۱۳۵۳) و کتاب «دگرگونی‌های فکری و فرهنگی عصر امام کاظم (علیه السلام)» نوشته منتظرالقائم (۱۳۹۲). در این خصوص شرایط اقتصادی دوره امام کاظم (علیه السلام) می‌توان به مقاله «سیمای اقتصادی امام هفتم (علیه السلام)» نوشته عرب ابوزید آبادی (۱۳۸۴) اشاره کرد. در این مقاله ضمن ترسیم سیمای اقتصادی این دوره، نحوه استفاده خلفای عباسی از اهرم اقتصادی علیه امام کاظم (علیه السلام) بررسی شده است. در این آثار به وضعیت سیاسی فرهنگی و نیز نقش امام پرداخته شده، ولی به گونه‌ای نیست که بتواند به لحاظ کاربردی بودن در عصر حاضر الگو ارائه دهد.

۴. فرقه‌ها و گروه‌های انحرافی در دوره امام کاظم (علیه السلام): متونی که در این زمینه نگارش یافته، عبارت است از: مقاله «امام کاظم (علیه السلام) و فرقه‌های انحرافی» نوشته سرافرازی (۱۳۹۲)، مقاله «احتجاجات قرآنی امام موسی کاظم (علیه السلام) با برخی جریان‌های انحرافی» نوشته قوجائی خامنه (۱۳۹۷) و مقاله «دو دستگی در شیعیان امام کاظم (علیه السلام) و پیدایش فرقه واقفه» نوشته بیوکار ترجمه وحید صفری (۱۳۸۲). گرچه این آثار به فرقه‌ها و موضع امام کاظم در برابر آن‌ها می‌پردازد، ولی فاقد الگوی مواجهه است.

۵. اندیشه سیاسی امام کاظم (علیه السلام): در این زمینه نوشته‌های معدودی وجود دارد از جمله مقاله «اندیشه سیاسی امام کاظم (علیه السلام)، نوشته عرب ابوزید آبادی (۱۳۹۲).

۶. شرح زندگی امام کاظم (علیه السلام): در این زمینه کتاب‌های متعددی نوشته شده است. از جمله می‌توان به کتاب «امام موسی کاظم (علیه السلام) نوشته ارفع (۱۳۸۹) و کتاب «نگاهی به زندگی امام موسی بن جعفر» نوشته قمی و محمدی (۱۳۹۷) اشاره کرد.

۷. نحوه مواجهه امام رضا (علیه السلام) با فرقه‌های انحرافی: آثاری در قالب مقاله به این موضوع پرداخته‌اند که در مجله فرهنگ رضوی منتشر شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: «امام رضا در مواجهه با اندیشه و عمل واقفیان»، نوشته حسن پور (۱۳۹۲)، «واکاوی مواجهه امام رضا با گفتمان حدوث و قدم»، نوشته دیمه کار گراب و ملا کاظمی (۱۳۹۶).

همان‌طور که ملاحظه شد کتاب‌ها و مقالات متعددی درباره امام کاظم (علیه السلام) نوشته شده. این متون تقریباً از زوایای مختلفی به سیره آن حضرت پرداختند، اما خلأ پژوهشی در خصوص الگوی رفتاری آن حضرت در مواجهه با تهدیدات نرم سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در دوران حیات مبارزاتی ایشان با وجود منابع متعدد اشاره شده، کاملاً روشن است. همچنین مقالاتی که درباره نحوه مواجهه امام رضا (علیه السلام) نوشته شده به برخی روش‌های حضرت بدون ارائه الگو تبیین شده است، اما ویژگی، مزیت و نوآوری این نوشتار نسبت به تحقیقات قبلی آن است که با تکیه بر منطق واحدی الگوی جامع عملیاتی را به لحاظ ذهنی و عینی در دو ساحت ثابت و اقتضایی ارائه کرده که از یک منطق ترکیبی پیروی می‌کند و آن را از الگوهای دیگر متمایز می‌سازد.

نوآوری این مقاله این است که از مواد خام پژوهش‌های مختلف انجام شده در این زمینه بهره گرفته و با مطالعه در آن‌ها، الگوی ثابت و اقتضایی امام کاظم (علیه السلام) را در مواجهه با تهدیدات نرم کشف کرده و نشان داده است.

۴-۱. روش تحقیق

از آنجا که موضوع مورد مطالعه، در بستر زمان اتفاق افتاده و متعلق به گذشته تاریخی است، از روش تاریخی بهره گرفته شده است؛ چراکه فرایند بررسی و تحلیل ما بر مبنای اسناد گذشته است (ال بیکر، ۱۳۹۱: ۳۲۶). به بیان دیگر، تحقیق تاریخی، زمانی به کار برده می شود که محقق موضوعی معین را که در گذشته و در یک مقطع زمانی مشخص اتفاق افتاده، پژوهش کند. در تحقیقات تاریخی، محقق، حقایق و اطلاعات گذشته را جمع آوری، ارزش یابی و صحت و سقم آن ها را بررسی می کند و با ترکیب دلایل و تجزیه و علل آن ها به صورتی منظم و عینی به نتایج می رسد (نادری و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۲-۶۵). برخی در خصوص مراحل کاربست روش تاریخی، آن را به پنج مرحله دسته بندی کردند؛ سه مرحله اول که با بقیه روش ها مشابه است، شامل صورت بندی مسئله، تدوین فرضیه، نقد و بررسی منابع و اسناد است و دو مرحله دیگر یعنی توصیف و تبیین تاریخی از گام های اساسی محسوب می شوند (قراملکی، ۱۳۸۳: ۲۰۲). برخی محققان نیز مراحل این روش به این صورت بیان کرده اند: شناسایی مسئله تحقیق، جمع آوری و ارزش یابی منابع اطلاعاتی، تحلیل داده های حاصل از منابع اطلاعاتی، تفسیر و تدوین و نتیجه گیری است (سرمد و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۲۳-۱۲۵). منابع داده های مورد نیاز تحقیق تاریخی دو دسته است. منابع دست اول شامل گزارش شاهدان عینی است و منابع دست دوم شامل گزارش هایی است که گزارشگر خود شاهد عینی آن نبوده است. در این تحقیق از منابع دسته دوم استفاده شده است. برای اعتبار منابع از دوروش انتقاد درونی و بیرونی استفاده شده است. با انتقاد درونی ماهیت و محتوای منابع و اطلاعات ارزش یابی شد. با انتقاد بیرونی اصالت منابع تعیین شد.

روش شناسی این تحقیق با توجه به الگوی جامع عملیاتی در پنج مرحله قابل شناسایی است:

۱. جمع آوری اسناد و اطلاعات مکتوب.

۲. اعتبارسنجی اصالت منابع و ارزش یابی ماهیت و محتوای اطلاعات آن ها (روش انتقاد

بیرونی و درونی)

۳. تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از منابع اطلاعاتی، تفسیر و تدوین آن‌ها.
۴. کشف منطق برخورد با مسئله (منطق ثابت و اقتضائی بر حسب زمان، مکان و مقتضیات)
۵. طراحی و ارائه الگوی متناسب به لحاظ کاربردی بودن آن در عصر حاضر در قالب اصول ثابت و اقتضایی

۲. مواجهه امام کاظم (علیه السلام) با تهدیدات نرم

با نگاهی به سیره پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه اطهار (علیهم السلام) الگوی مواجهه آن‌ها با تهدیدات اعم از نرم و سخت هم در حوزه اندیشه دارای اصول و معیارهای نظری بودند و هم در حوزه عملی اصول و معیارهای عملی داشتند. همان طور که در منطق نظری از منطق پولادین و غیرقابل تغییر پیروی می‌کردند، در منطق عملی هم هیچ قدرتی و شرایطی نمی‌توانست آن‌ها را متزلزل کند؛ بنابراین، منطق رفتاری معصومین (علیهم السلام) از اصول ثابت و متغیری برخوردار بود. به تعبیر رهبر معظم انقلاب «تمام کارهای ائمه در طول این ۲۵۰ سال کار یک انسان با یک هدف، با یک نیت و با تاکتیک‌های مختلف است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۱۹). برای نمونه اصل اقتدار و نیرومند شدن، در رفتار معصومین (علیهم السلام) یک اصل مطلق و از منطق ثابتی برخوردار است، اما اعمال قدرت یا زور امری نسبی است. مثلاً در سیره پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه اطهار (علیهم السلام) در مواردی که هیچ راه دیگری باقی نمانده بود، اعمال زور را جایز می‌دانستند «أَخْرَجَ الدَّوَاءَ الْكَبِيَّ» (مطهری، ۱۳۷۷: ۸۳). یا اینکه آن‌ها هیچ‌گاه برای تبلیغ دین یا دفع تهدیدات علیه دین و جامعه دینی از هر وسیله‌ای استفاده نکردند. این موضوع نیز یک اصل ثابت در سیره آن‌ها بود. اصل مبارزه با دستگاه جور و ستم نیز در رفتار همه ائمه تابع اصول تخلف‌ناپذیر بود، ولی به تناسب مقتضیات زمان و شرایط محیطی شکل مبارزه متفاوت بود. به تعبیر شهید مطهری مقتضیات زمان در شکل مبارزه می‌تواند تأثیر بگذارد و از سوی دیگر هیچ وقت مقتضیات زمان نمی‌تواند بر سازش با ظلم تأثیرگذار باشد. بر این اساس است

که ائمه اطهار (علیهم السلام) در زمان خودشان با هیچ خلیفه جوری سازش نکردند و همیشه در حال مبارزه بودند (ر.ک: مطهری، ۱۳۷۲: ۹۷). با این وصف، اصول و معیارهای ائمه (علیهم السلام) در مواجهه با پدیده‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ثابت است، از این رو، با اصول ثابت و الگوی واحدی روبه‌رو هستیم که خود درس بزرگی برای مدیریت تهدیدات است. با وجود این، روش آن‌ها متفاوت از هم بود و از این نظر با الگوهای متفاوتی روبه‌رو هستیم. در واقع، آن‌ها به حکم روح دین و تعلیمات دینی و دستوره‌های کلی الهی عملی یا اقدامی انجام می‌دادند که به هیچ وجه قابل تأویل و تبدیل نبود، ولی به حکم مقتضیات زمان، عملی انجام می‌دادند که ممکن بود آن را در یک زمان و شرایط دیگر، انجام ندهند. این قاعده ثابتی است که در رفتار و سیره امام کاظم (علیه السلام) مانند دیگر ائمه قابل مشاهده است. حال اینکه سیره و الگوی امام کاظم (علیه السلام) در مواجهه با تهدیدات نرم زمانه خویش چگونه بوده است، نیازمند شناخت عناصر و عواملی است که الگو و سیره آن حضرت متأثر از آن‌ها و در چهارچوب و مرتبط با منطق و معیار ثابت بوده است.

۲-۱. شرایط و اقتضات سیره امام (علیه السلام)

۲-۱-۱. موقعیت و شرایط تهدیدگرها

تهدید نرم استفاده از قدرت نرم برای دستکاری افکار عمومی و تغییر نگرش‌ها و رفتارهای سیاسی و فرهنگی مردم است که به استحاله فرهنگی در جامعه منجر می‌شود. تهدیدگرها در این عرصه با تغییر نگرش‌ها و باورها از هر وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف خود بهره می‌گیرند.

امام کاظم (علیه السلام) در عصری می‌زیست که مردم آن زمان دچار تشنّت فکری شده بودند و این تعدد آرا باعث ایجاد فرق گوناگون شد. این وضعیت معلول عوامل داخلی^۱ و عوامل

۱. آن دسته از عواملی که از درون جامعه اسلامی نشئت می‌گیرد، خواه سیاست حاکم بر جوامع اسلامی چنین نقشی را ایفا کرده باشد یا مسلمانان تحت تأثیر متون دینی اسلامی و برداشت ناروا از آن به دامن فرقه‌گرایی افتاده باشند یا اینکه عالمانی که به امر تفسیر قرآن و حدیث و بیان معارف پرداخته‌اند، مطالب باطلی را در حوزه عقاید به مسلمانان القا کرده باشند.

بیرونی بوده است که در این زمینه، هفت عامل را می‌توان بیان کرد: ۱. اوضاع سیاسی ۲. منع تدوین حدیث نبوی ۳. میدان دادن به احبار یهود و رهبران مسیحی تازه‌مسلمان شده در بیان معارف ۴. میدان ندادن به مرجع علمی مطمئن، یعنی عترت پیامبر اکرم ۵. برداشت‌های ناروا از متون و مفاهیم دینی در پرتو جمود فکری ۶. تلاقی فرهنگ‌های غیراسلامی با فرهنگ اسلامی. این همه در نبود عالمان شبهه‌شناس با بنیه علمی مناسب، سبب گسترش خوانش‌های گوناگون و شبهه‌های زیاد در عالم اسلام شد (رک: البانی، ۱۳۸۸: ۱۵۰).

حاکمان ظالم با گستردن جریان‌های فکری و انحرافی سدی بر سر راه گسترش معارف اسلامی به وجود آورده بودند. آیت الله خامنه‌ای با تاکید بر این نکته معتقدند حتی شعر و هنر، فقه و حدیث و حتی زهد و ورع در خدمت ارباب قدرت درآمده و مکمل ابزار زور زور آنان گشته بود (ر.ک: مجموعه آثار سومین کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام، ۱۳۷۰، ج ۱: ۲۳). جریان‌های انحرافی نیز با خوانش‌های گوناگون از دین مانند جبرگرایی و جعل حدیث و ادعای مهدویت در صدد تغییر نگرش در جامعه برآمدند. جریان جبرگرایی در زمان امام کاظم علیه السلام طرفدارانی داشت. اهل حدیث در مسئله جبر و اختیار، جبری مسلک بودند. حاکمان اموی^۱ (نشار، ۱۹۷۷م، ج ۱: ۲۳۱-۲۳۲) و عباسی هر دو به منظور تحکیم قدرت خود، از جبرگرایی جانبداری می‌کردند. جبرگرایان برای اثبات نظریه خود به ظواهر بعضی آیات و روایات استناد می‌کردند.

۲-۱-۲. موقعیت و شرایط تهدیدشونده

تهدیدات نرم در چهار رکن: رفتار، گرایش، باور و معلومات قابل شناسایی است و افکار عمومی جامعه اعم از نخبگانی و توده مردم با توجه به این چهار عنصر، آماج تهدیدها هستند.

افکار غالبانه با فعالیت‌های زیادی توانست در دوره امام کاظم علیه السلام با مشخصه‌های

۱. بنا به نقل مورخان، معاویه طلایه دار ترویج اعتقاد به جبر بود (طبری، ۱۳۸۳: ۵۱).

فرقه‌ای بارور شود. بدون شک چنین نظرگاه تندی می‌توانست باورهای تشیع را هم تهدید کند. در روایتی چنین آمده است:

أَدْنَى مَا يَخْرُجُ بِهِ الرَّجُلُ مِنَ الْإِيمَانِ أَنْ يَجْلِسَ إِلَى غَالٍ فَيَسْتَمِعَ إِلَيْ حَدِيثِهِ وَيُصَدِّقَهُ عَلَى قَوْلِهِ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۵: ۲۷۰، ح ۱۴)^۱ از این روایت برمی‌آید انسان با انتقال معلومات نادرست و شنیدن و دریافت، تحت تاثیر قرار می‌گیرد و نگرش و باور او تغییر می‌یابد و این به گفته امام معصوم کمترین حد کفر است. در نتیجه تغییر باورها و گرایش‌ها، رفتارهای مردم نیز تغییر می‌یابد.

۲-۱-۳. شرایط تهدید نرم

شرایط تهدید نرم در چهار ساحت ذیل تحقق می‌یابد:

۱. دامنه تهدید نرم؛ در مسائل انحرافی دینی عموم مردم بیشتر مورد هدف‌اند. عوام‌فریبی یکی از شگردهای حاکمان عباسی برای انحراف افکار عمومی و دعوت به خود بود. امام کاظم (علیه السلام) مواجهه با این گونه تهدیدها را در اولویت می‌دانست. هر چقدر این دامنه گسترده‌تر و آماج و آحاد بیشتری هدف باشد، مواجهه امام با آن مورد توجه قرار می‌گیرد. از باب نمونه، هنگامی که هارون در مقابل مرقد رسول خدا ص آن حضرت را به‌عنوان «پسر عمو» خطاب کرد تا خود را مقبول عامه قرار دهد امام کاظم (علیه السلام) بلافاصله و به اقتضای مجلس، با خطاب «سلام بر تو ای پدر» نقشه او را خنثی کرد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۸: ۱۳۵) درست در همان مجلس، شیوه تزویر او را از بین می‌برد (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۳۰۱).

۲. موضوع تهدید نرم؛ تنوع موضوعی در تهدید، شرایط تهدید را ویژه می‌کند در موضوع فرهنگ و اعتقادات، باور انسان‌ها همانند قوه محرکه در رفتار آنان است؛ بنابراین انحرافات اعتقادی و فرهنگی شدیدترین تهدید علیه جامعه هدف است. جامعه عصر امام کاظم

۱. کمترین چیزی که به وسیله آن انسان از ایمانش خارج می‌شود، آن است که در مجلس یک غالی بنشیند، سخنانش را گوش دهد و آن‌ها را تصدیق کند.

علیه السلام پر از احادیث جعلی شده بود. این تهدید به گونه‌ای گسترش یافت که جریان‌ی به نام «اهل حدیث» شکل گرفت. تلاش امام کاظم علیه السلام به اقتضای آن تهدید ایستادگی و مبارزه با احادیث جعلی و اهل حدیث بود. ایشان با تفسیر درست احادیث، راه فهم اشتباه را به روی مردم می‌بست. در موضوع تهدیدات سیاسی امنیتی نیز امام کاظم علیه السلام و یارانش تهدید به قتل و زندان شدند (ر.ک: طوسی، ۱۳۷۷ ق: ۱۴۸). در نتیجه، امام برای مواجهه هوشمندانه و اقتضایی با آن راهبرد تقیه را در پیش گرفتند. امام به یاران و شیعیان خود سفارش به تقیه می‌کرد و مخفیانه به دعوت مردم و حفظ شیعه می‌پرداخت. همچنین امام علیه السلام شیعیان را توصیه می‌کرد تمام معاملات و رفتار خود را با خلیفه و نیروهای آن قطع کنند و هیچ‌گونه تعاملی با آن‌ها نداشته باشند. چنان‌که به صفوان جمّال که یکی از شیعیان است و شترهای خود را در سفر حج به هارون کرایه داده بود، فرمود که تکیه‌کننده بر ستمکار، گرفتار دوزخ می‌شود و هرگونه همکاری با ستمکار حرام است و نباید به آن اعتماد کرد (طوسی، ۱۴۰۹ ق: ۴۴۱). امام در برخی موارد به منظور مقابله و خنثی‌سازی تهدیدات، افرادی مانند علی بن یقطین را به درون دستگاه خلافت نفوذ داد و به واسطه این اقدام از تصمیمات درون دستگاه خلافت علیه شیعیان و خود حضرت مّطلع و آگاه می‌شد (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۸: ۱۳۶).

۳. مرجع تهدید نرم؛ هر چقدر اهمیت ارزش‌های مورد تهدید و مرجع تهدید بیشتر باشد، شدت مواجهه با آن به اقتضای شرایط تعیین‌کننده‌تر خواهد بود. توجه به مسئله امامت و رهبری از آن جمله است. از انحراف در تعیین شخص امام گرفته تا معرفی نادرست از امام، به این مهم ضربه وارد می‌کند. چون در عصر امام کاظم علیه السلام با ارائه تصویر غالبانه از امام معصوم مواجه هستیم که در میان شیعیان گروهی بودند نسبت به ائمه غلو می‌کردند و حتی بعضی برای آن حضرات قائل به مقام الوهیت می‌شدند این باور و ترویج آن موجب آشفتگی در عقاید و افکار و انزوای شیعه شده بود، به گونه‌ای که شیعه را در نظر مکاتب و مذاهب دیگر بی‌قید و بند نسبت به فروع جلوه می‌داد. امام کاظم برای مقابله با این تهدید و تهدیدگران، به شدت در پی پیشگیری از ارتباط و دور کردن آن‌ها از جامعه توحیدی و افشای ماهیت، اعلام برائت و لعن و نفرین آنان

است (ر.ک: نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲: ۳۱۵؛ طوسی، ۱۴۰۹ق: ۴۸۳).

۴. عمق تهدید نرم؛ ولایت محوری و تبعیت از آن به عنوان رکن دینداری اهمیت فوق العاده ای دارد و از عمیق ترین ارزش‌هایی است که تهدید می‌شود. امام کاظم (علیه السلام) در راهنمایی فردی موجه و زاهد که در دفاع از دین و دیانت کوششی فراوان و جدیت داشت، اهل امر به معروف و نهی از منکر بود، فرمود تو باید به دنبال معرفت امام باشی و این مبارزات و تلاش‌ها و دلسوزی‌ها فقط در مسیر اعتقاد به ولایت راستین مفید خواهد بود (ر.ک: القرشی، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۱۶۰).

۴-۱-۲. شرایط فضای حاکم

عصر زندگی امام کاظم (علیه السلام) از لحاظ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شرایط ویژه ای داشت که سبب شد انحرافات در آن عصر به وجود آید.

۴-۱-۲-۱. عامل اول: اختناق و استبداد

بعد از سقوط سلسله حاکمان اموی، بنی عباس با حاکم شدن بر مصدر امور ستم بر مردم و خاندان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را در پیش گرفتند. منصور دوانیقی از حاکمان عباسی در عصر امام کاظم (علیه السلام) بعد از استقرار از کشتن و حبس و زجر فرزندان علی و مصادره اموال آنان لحظه ای نیاورد و اغلب بزرگان این خاندان و در راس همه آنها امام صادق (علیه السلام) را به شهادت رساند (ر.ک: البانی، ۱۳۸۸: ۱۵۰-۱۶۰) به گونه ای با علویان و شیعیان بدرفتاری می‌کرد که به تعبیر ابوفراس شاعر، بنی امیه، یک دهم آن را هم انجام نداده بودند (مغنیه، ۱۳۹۶: ۲۰۷). اختناق به قدری بود که امام کاظم (علیه السلام) به یاران می‌فرمود: بی‌رس و بدان و جایی بازگو مکن و گرنه به بهای جانت تمام می‌شود (قربانی، ۱۳۸۵ به نقل از الجندی، ۱۴۲۷ق: ۳۴). امام موسی کاظم (علیه السلام) نیز نمی‌توانست با حکومتی چنین ستم‌پیشه، موافق باشد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۳۶۶).

۲-۱-۴-۲. حیلۀ منصور

عامل دیگر، حیلۀ منصور برای مشخص کردن رهبری آینده بود تا شیعیان دچار تحیر و انحراف نشوند. در این میان داعیۀ امامت برخی فرزندان امام صادق (علیه السلام) بر این رویه افزود. عباسیان بر آن بودند که امام بعدی را به شهادت برسانند که امام صادق (علیه السلام) برای برون رفت از بحران قتل امام بعدی، پنج نفر (پیشوایی، ۱۳۹۵: ۱۱۳ و ۱۱۴) را به عنوان وصی بعد از خود معرفی کرد.

از آثار شرایط به وجود آمده در فضای تهدید، ترس راویان حدیث از نقل احادیث بوده است. حامد حفنی داوود، درباره نقل نکردن روایات اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) در کتاب بخاری معتقد است علت اساسی، ترس از حکمرانان عباسی بوده است (ر.ک: اسد حیدر، ۱۳۹۲، ج ۱: ۱۷). بنابراین، جامعۀ عصر امام کاظم (علیه السلام) دچار تهدیدهایی از جنس وارونگی ارزش‌ها و مفاهیم دینی، تحریف، شبهه، برداشت‌های ناروا از متون و مفاهیم در پرتو جمود فکری شده بود. افکار بیگانه یهود و مسیحیت و میدان یافتن شبهه افکنان به این‌ها افزوده می‌شد (ر.ک: البانی، ۱۳۸۸: ۱۵۰) و این‌ها با حذف عالمان شبهه‌شناس و مرجعیت علمی آنان همراه شده بود.

۲-۲. شیوه و منطق مواجهۀ امام کاظم (علیه السلام) با تهدید نرم

امام کاظم (علیه السلام) در رویارویی با تهدیدهای نرم فوق، از سویی به دنبال هدایت، ارشاد و دگرگون‌سازی افراد فریب‌خورده بود و با منطق و حجت قوی و دلایل روشن به جدال احسن با آنان می‌پرداخت و عقاید و مکتب‌شان را رد می‌کرد. از سوی دیگر، برداشتن موانع فکری و تهدیدهای بالقوه و بالفعل را وجهۀ همت خویش قرار داده بود.

این تحقیق با توجه به شرایط تهدیدگران و تهدیدشونده‌ها، تهدید نرم و شرایط فضای حاکم، الگوی مواجهۀ امام کاظم (علیه السلام) با تهدیدهای سیاسی فرهنگی را در قالب گونه‌شناسی ثابت و متغیر تحریر کرده است.

۲-۲-۱. رفتارهای ثابت

رهبران دینی در هر شرایطی از منطق ثابت و اصیلی پیروی می کنند. گرچه متناسب با شرایط سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و اقتضائات زمانی و مکانی، شکل و سبک متغیری داشته باشد. نکته کلیدی این است که هر الگوی رفتاری ممکن است از یک منطق یا ترکیبی از منطق ها پیروی کند. ماهیت این منطق و نحوه ترکیب آن ها، یک الگوی رفتاری را از الگوهای دیگر متمایز می سازد.

دغدغه اساسی انبیا و ائمه معصومین (علیهم السلام)، هدایت جامعه به سمت رشد و کمال و دور کردن آنان از انحرافات، بوده است. آنان با رویکرد آینده نگری و مآل اندیشی به طور مداوم، مشغول نظارت، پایش و هدایت رفتارهای سیاسی فرهنگی بوده اند و برای تضمین سلامت سیاسی فرهنگی جامعه، اقداماتی انجام می دادند. این اقدامات می توانست در همه شرایط و مقتضیات ثابت یا متغیر باشد.

از جمله مولفه های رفتارهای ثابت در سیره امام کاظم (علیه السلام) می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۲-۲-۱-۱. پافشاری بر اصل امامت و رهبر شایسته

امام کاظم (علیه السلام) همانند امامان دیگر، غفلت از جایگاه امامت را موجب به وجود آمدن فرقه های انحرافی تهدیدزا می دانست. از این رو، شرایط و ویژگی امامان و رهبران واقعی را بیان می کرد و با این اقدام، هم به مردم می فهماند که رهبران واقعی چه کسانی هستند و هم اعلام می کرد که گروهی دیگر شایستگی رهبری جهان را ندارند و امامت و خلافت آن ها نامشروع است. بارها با تعیین و تاکید بسیار می فرمودند: امام بعد از من فرزندم علی بن موسی است (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۹: ۱۷).

۲-۲-۱-۲. اصل استفاده نکردن از هر وسیله ای

از دیدگاه مطهری «برای حق باید از حق استفاده کرد. حتی اگر بدانیم یک حرف ناحق

و نادرست، باعث می‌شود همه گنهکاران توبه کنند، در عین حال، اسلام به ما چنین کاری را اجازه نمی‌دهد. اسلام نیازی به روش نادرست و دروغ در راه خود ندارد. حق را با باطل آمیختن، حق را از میان می‌برد. و حق تاب اینکه همراه باطل باقی بماند ندارد (ر.ک: مطهری، ۱۳۷۷: ج ۱۶: ۱۱۰). حاکمان اموی و عباسی هر دو به منظور تحکیم قدرت خود، از تحریف برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کردند. امام کاظم (علیه السلام) که می‌دید تحریف وسیله مقاصد منحرفان شده، به تبیین معنای واقعی آثار نقلی دینی می‌پرداخت (ر.ک: ابن بابویه، ۱۳۸۷: ۳۵۶).

۲-۲-۱-۳. اصل حفاظت از میراث علمی فرهنگی

خط و مشی علمی فرهنگی امام کاظم (علیه السلام)، همان خط و مشی امام صادق (علیه السلام) بود. محافظت از خط فکری اصیل مبتنی بر اعتقادات صحیح و بالا بردن اطلاعات مذهبی و پاسخگویی به شبهات و القائات مخالفان، یکی از مولفه‌های رفتاری پیشگیرانه از انحراف است که سیره امام کاظم (علیه السلام) مبتنی بر اصول شریعت، سنت پیامبر و امامان استوار بود. با درس، نقل احادیث و گفت‌وگوها و ثبت دقیق فتاوا (ر.ک: ابن طاووس، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ۲۲۰) علاج واقعه قبل از وقوع انحراف می‌کرد.

۲-۲-۱-۴. اصل اقتدار و مبارزه

اصل اقتدار در رفتار امامان معصوم (علیهم السلام) یک اصل مطلق و ثابت، اما اعمال قدرت نسبی است. اصل مبارزه با دستگاه ظلم نیز در رفتار همه ائمه تابع اصول تخلف‌ناپذیر بود، ولی به تناسب مقتضیات زمان و شرایط محیطی شکل مبارزه متفاوت بود. بر این اساس است که ائمه اطهار در زمان خودشان با هیچ خلیفه جوری سازش نکردند و همیشه در حال مبارزه بودند (ر.ک. مطهری، ۱۳۷۲: ۹۷). امام کاظم (علیه السلام) نیز همه زندگی خود را وقف این جهاد مقدس ساخته بود. البته زمان او ویژگی‌های خود را داشت و به تناسب زمان مختصاتی می‌یافت (خامنه ای، ۱۳۹۰: ۲۹۲). امام در برابر یکی از کارگزاران حکومت عباسی می‌فرماید: «اگر از بلندی پرتاب شده و قطعه قطعه مردم نزد من محبوب‌تر است از این که کاری برای ظالمان انجام دهم یا حتی بساطی برایشان پهن کنم مگر آن که

غم مومنی را برطرف سازم یا اسیری را آزادکنم یا دینی را ادا کنم. امام در ادامه به عقوبت یاوران ظالمان می پردازد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۱۱۰).

۲-۲-۱-۵. اصل تربیت و به کارگماری سرمایه انسانی

شناسایی، کشف استعدادها و تربیت سرمایه های انسانی از جمله راهبردهای رهبران معصوم بوده است. امام کاظم (علیه السلام) به رغم فشارهای فراوان عباسیان، موفق شد صدها رجال علمی فرهنگی برجسته در زمینه های فقهی، حدیثی، تفسیری، کلامی و دیگر رشته های علمی تربیت کند (ر.ک: طوسی، ۱۴۱۵ق: ۳۲۹-۳۴۷ و القرشی، ۱۴۱۳ق: ج ۲: ۲۳۱-۳۷۳).

۲-۲-۲. رفتارهای اقتضائی (متغیر)

رفتار اقتضایی نیازمند آن است که رهبران بتوانند موقعیت های گوناگون را به درستی تشخیص دهند و وضعیت کنونی را با آن هماهنگ کنند. به عبارت دیگر، هر آنچه مدیر در عمل انجام می دهد، به مجموعه شرایط موجود وابسته است (ریچارد و دیگران، ۱۹۷۹م: ۱۹). اصول و معیارهای ائمه (علیهم السلام) در مواجهه با پدیده های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی گرچه ثابت اند ولی روش آن ها متفاوت است و به حکم مقتضیات زمان، عملی انجام می دادند که ممکن بود آن را در یک زمان و شرایط دیگر انجام ندهند.

شناخت الگوی مواجهه امام کاظم (علیه السلام) در مقابله با تهدیدات نرم زمانه خویش، نیازمند شناخت عناصر و عواملی است که الگو و سیره آن حضرت متأثر از آن ها و در چهارچوب و مرتبط با منطق و معیار ثابت بوده است. این رفتار غالباً به اقتضای شرایط تهدید صادر می شد. در زمانه امام کاظم (علیه السلام) افکار انحرافی، جریان هایی را به وجود می آوردند که در ادامه به شیوه برخورد امام کاظم (علیه السلام) با آن ها به تناسب شرایط اشاره می شود.

۲-۲-۲-۱. کار تشکیلاتی

یکی از راه های مواجهه با تهدیدها، تشکیلاتی عمل کردن است. به تعبیر آیت الله

خامنه ای: «قضیه یک مبارزه طولانی، یک مبارزه تشکیلاتی، یک مبارزه با داشتن افراد زیاد است» (خامنه ای، ۱۳۹۰: ۲۹۷). یکی از آن تشکیلات، سازمان وکالت است که نهادی راهبردی و الگوساز برای شیعه از طرف امامان معصوم به منظور تفوق بر شرایط عصر خویش بود. نظارت و دسترسی همه جانبه به اقصی نقاط و همچنین مبادلات مالی و فرهنگی از جمله اهداف این سازمان است. پایه های این سازمان در زمان امام کاظم علیه السلام گذاشته شد و هدف، آن بود که با ایجاد هسته دانا و شبکه توانا در سازمان وکالت، اهداف دینی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و مالی خود را محقق سازند (ر.ک: جباری، ۱۳۹۲: ۷). امام کاظم علیه السلام در مقام هدایت تشکیلات وکالت، برخوردهایی با جریان های انحرافی که به نحوی مرتبط با سازمان وکالت بودند، انجام می داد. ارتباط این جریان ها با سازمان، یا از این جهت ناشی می شد که بعضی از اعضای سازمان، یعنی وکلا به خیانت، فساد، فسق و انحراف فکری و اخلاقی آلوده می شدند، یا اینکه افرادی به دروغ با ادعای باییت و وکالت از امام در پی تحقق اهداف فاسد و شیطانی بودند (جباری، ۱۳۸۲: ج ۱: ۱۸۷).

۲-۲-۲. تنویر افکار

منطق اقتضایی امام معصوم، در جلوگیری از فرهنگ انحرافی، تبیین و هشدار روشنگرانه است. مورد کاوی رفتار اقتضایی در سیره امام رضا علیه السلام درباره واقفیان مشهود است که به جهت به انزوا کشاندن و محدود کردن دامنه تاثیرگذاری آنان انجام می شد (حسن پور، ۱۳۹۲: ۱۶۱). با همین منطق، امام کاظم علیه السلام با تیزبینی و مشاهده خطرات پیش روی، تهدیدات قطعی خوانش های انحرافی را مشاهده و اقدام به روشن سازی افکار عمومی می کردند.

جریان جبرگرایی در زمان امام کاظم علیه السلام طرفدارانی داشت. اهل حدیث در مسئله جبر و اختیار، جبری مسلک بودند. حاکمان اموی^۱ (نشار، ۱۹۷۷ م، ج ۱: ۲۳۱-۲۳۲) و عباسی هر دو به منظور تحکیم قدرت خود، از جبرگرایی جانبداری می کردند. جبرگرایان برای اثبات نظریه خود به ظواهر بعضی آیات و روایات استناد می کردند. از جمله این روایت نبوی که

۱. بنا به نقل مورخان، معاویه طلایه دار ترویج اعتقاد به جبر بود (طبری، ۱۳۸۳: ۵۱).

می فرماید: «بدبخت کسی است که در رحم مادر گرفتار شقاوت شود و خوشبخت کسی است که در شکم مادر سعادت‌مند باشد.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۴۴). امام کاظم (علیه السلام) که می‌دید قائلان به جبر این حدیث را دستاویز قرار داده‌اند، به تبیین معنای واقعی آن پرداخت و منظور پیامبر را این دانست که خداوند می‌داند که بدبخت (پس از تولد) کردار اشقیاء و خوشبخت کردار سعادت‌مندان را خواهد داشت (ابن بابویه، ۱۳۸۷: ۳۵۶). امام با این تفسیر روشن، به پیروان خود آموخت که علم خداوند به سعادت یا شقاوت فردی، موجب جبر و سلب اختیار از او نمی‌شود؛ بلکه هر کس با اختیار خود می‌تواند راه آینده و سرنوشت خویش را انتخاب کند. امام می‌فرمود: «خداوند هیچ یک از مخلوقاتش را مجبور به نافرمانی نکرده است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵: ۲۶). اگر تنویر امام کاظم (علیه السلام) به شرحی که بیان شد، نبود، اندیشه جبرگرایی، تشیع را نیز به انحراف می‌کشاند.

۲-۲-۳. برملاسازی احادیث ساختگی

از مصادیق انحراف فرقه‌ای تهدیدزا، احادیث ساختگی بود که به‌منظور ایجاد فتنه بر سر مسائل اجتماعی، کلامی، فقهی، تفسیری و... با مهارت خاصی در میان احادیث و روایات نبوی گنجانده شده بود (ر.ک: جعفریان، ۱۳۸۱: ۴۱۶-۴۱۳). برملاسازی تحریفات و جعلیات اهل حدیث مانند تشبیه‌گرایی و عقیده ارجاء از جمله مواجهه‌های امام است.

از روایاتی که «اهل حدیث» بدان استناد می‌کردند، حدیث نبوی «نزل خداوند به آسمان دنیا» بود (ر.ک: ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۲: ۱۹). پذیرش چنین روایتی به این صورت، مستلزم عقیده به تشبیه و نیز قبول جابه‌جایی خداوند از مکانی به مکان دیگر بود. اهل حدیث آشکارا این اعتقاد را به استناد این احادیث مطرح و اصحاب نیز درباره این احادیث از امامان معصوم سوال می‌کردند. امام کاظم (علیه السلام) در مقام پاسخ فرمودند: «خداوند فرود نمی‌آید، نیازی ندارد تا فرود آید. در نگاه او دوری و نزدیکی مساوی است، نه نزدیکی به نزد او دور است و نه دوری به نزد او نزدیک. او احتیاج به هیچ چیزی ندارد، بلکه همه به او نیازمندند، اما درباره گفتار آنان که خداوند را چنین توصیف کرده‌اند که: «خداوند فرود می‌آید!» این را

کسی می گوید که خدا را به نقص و زیادت متّصف کرده است. هر متحرّکی نیاز به محرّک دارد تا او را به حرکت درآورد یا به کمک آن به حرکت درآید. پس کسی که به خدا [چنین] گمان‌هایی ببرد، هلاک می‌شود. در توصیف خدا، از صفاتی که خدا را به نقص و زیادت، تحریک و تحرّک، انتقال و فرود آمدن، برخاستن و نشستن، محدود سازد، بپرهیزید. [زیرا] خداوند بالاتر و برتر از وصف این‌گونه وصف‌کنندگان و توهم این گمان‌کنندگان است» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱: ۱۲۵). امام رضا (علیه السلام) نیز در این باره با تحریف‌شده دانستن روایت، معنای جسمانی را از چهره روایت اهل حدیث می‌زدایند (ر.ک: محمد جعفری، ۱۳۹۵: ۶۹). اگر رفتار سلبی امام کاظم (علیه السلام) نبود؛ این تفکرات به درون شیعه هم راه می‌یافت.

۲-۲-۴. مبارزه منفی

در هر دین و مذهبی، ممکن است کسانی یافت شوند که در بعضی از آموزه‌ها یا اصول آن، جانب مبالغه را بگیرند و درباره شخصیت‌های دینی دچار غلو شوند. در میان شیعیان نیز گروهی درباره ائمه غلو می‌کردند و حتی بعضی برای آن حضرات قائل به مقام الوهیت می‌شدند.^۱ این گروه در آغاز به غلو درباره ائمه پرداختند، ولی از قرن دوم به بعد مطالب غلو آمیز را با سیاست آمیختند.

جریان غلو در عصر امام صادق (علیه السلام) موجب آشفتگی در عقاید و افکار شیعه شده بود که انزوای شیعه را به دنبال داشت، به گونه‌ای که شیعه را در نظر مکاتب و مذاهب دیگر بی‌قید و بند نسبت به فروع جلوه داد. اهمیت این جریان به قدری بود که برخی از فرقه‌نگاران، گالیان را در زمره فرقه‌های اصلی شیعه قلمداد کرده‌اند (اشعری، ۱۳۶۹، ج ۱: ۶۵-۶۶). امام کاظم (علیه السلام) در مواجهه با جریان فکری غلو، رفتارهای سلبی داشتند

۱. علامه مجلسی مظاهر غلو را در اعتقاد به امور زیر برشمرده است: ۱. الوهیت پیامبر و ائمه طاهرين عليهم السلام. ۲. در معبودیت یا خالقیت و رازقیت شریک خدایند. ۳. حلول خداوند در آن‌ها یا اتحاد خداوند با آنان. ۴. آنان بدون وحی و الهام الهی از غیب آگاه‌اند. ۵. نبوت درباره ائمه طاهرين ع. ۶. تناسخ ارواح ائمه در بدن‌های یکدیگر. ۷. با معرفت آنان، اطاعت خداوند و ترک معصیت الهی لازم نیست. سپس مجلسی می‌فرماید: «اگر کسی قائل به یکی از این انواع غلو باشد، ملحد و کافر است. از دین خارج شده است، همان‌طور که ادله عقلی و آیات و اخبار بر این مسئله دلالت دارد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۵: ۳۴۶).

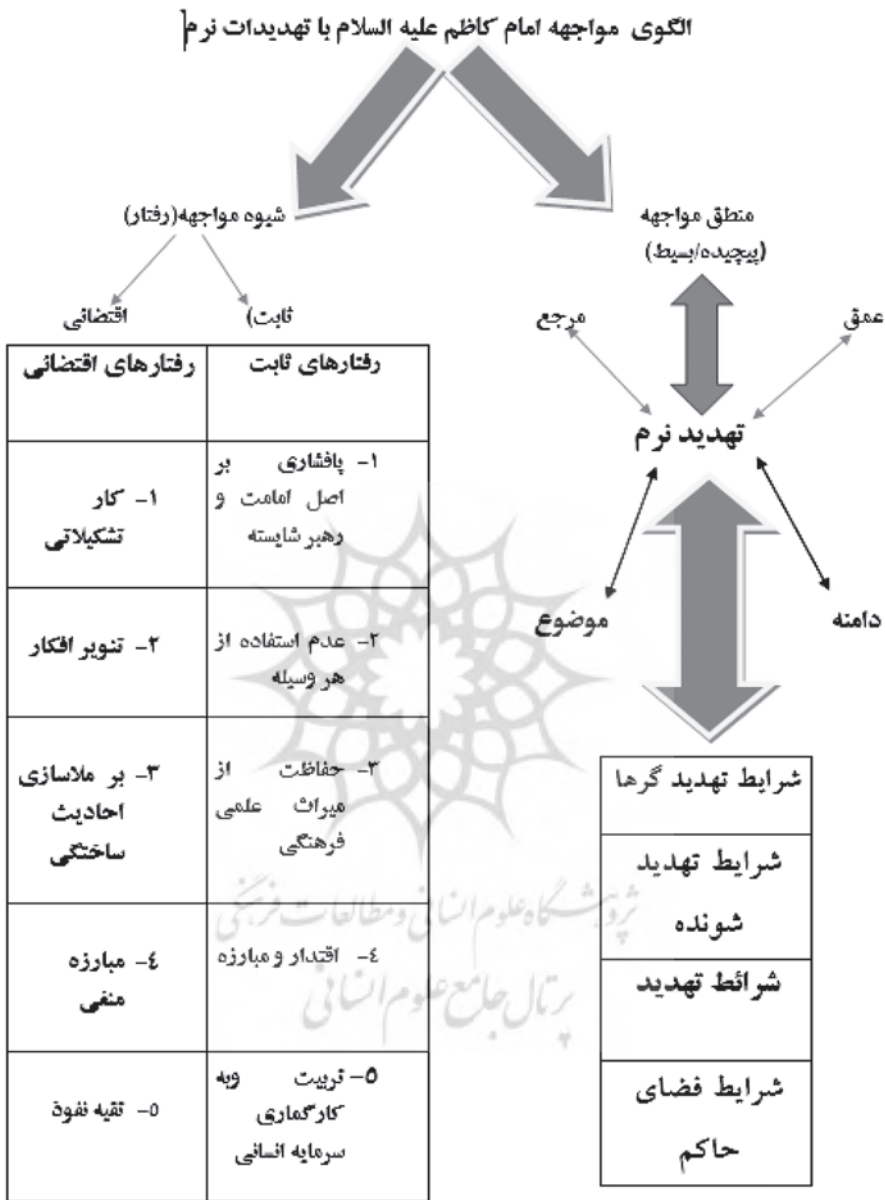
که از جمله آن‌ها افشای ماهیت، اعلام برائت، تکذیب عقاید، لعن و نفرین آنان (طوسی، ۱۴۰۹ق: ۴۸۳) و سفارش به قطع ارتباط با آنان بوده است (ر.ک: نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲: ۳۱۵). این رفتار اقتضایی توسط امام رضا (علیه السلام) نیز ادامه یافت (امام جمعه زاده و محمود اوغلی، ۱۳۹۳: ۲۲-۲۳).

۲-۲-۲-۵. تقیه نفوذ

یکی از راه‌هایی که مبارزه و حرکت فکری، سیاسی و فرهنگی اهل بیت (علیهم السلام) و یاران صدیق آنان را مجال رشد و استمرار بخشید، تلاش خستگی‌ناپذیر و جهاد و مبارزه خطیر آن بزرگواران و توسل به شیوه الهی تقیه بود. از طرفی، پیرو اصل تربیت نیروی انسانی و به اقتضای شرایط، امام کاظم (علیه السلام) با هدف پیشگیری و با برنامه‌ای حساب شده یعنی تقیه نفوذ (ر.ک: رضایی آدریانی، ۱۳۸۹: ۳۰۵) نیروهای فعال و مطمئن مانند علی بن یقطین و جعفر بن محمد بن اشعث، مربی علمی فرزندان هارون در مسئولیت‌های کلیدی حکومت باطل عباسی نفوذ می‌دادند و آن‌ها با شخصیت علمی و دینی استوار خود، بدون استحاله شدن، در جامعه شیعی کارآمدی داشتند (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۸: ۱۵۸).

الگوی مواجهه امام کاظم (علیه السلام) با تهدیدات نرم دارای دو ساحت ذیل است:

در ساحت منطق مواجهه، عوامل و شرایطی بر نحوه مواجهه و مقابله با تهدید از جهت بسیط یا پیچیده بودن تأثیر می‌گذارد و منجر به تفاوت تصمیمات و اقدامات می‌شود که عبارت است از: ۱. شرایط تهدید از جهت دامنه، مرجع، عمق و موضوع آن ۲. شرایط جبهه خودی و پیامد اقدام تهدید شونده ۳. تعدد، شرایط و موقعیت تهدیدگر ۴. فضای حاکم بر معادلات امنیتی. در ساحت شیوه مواجهه به دو گونه مواجهه امام کاظم (علیه السلام) رفتارهای ثابت و اقتضایی می‌رسیم که در طرح‌واره ذیل به وضوح ترسیم شده است.



۳. نتیجه گیری و پیشنهاد

راه تقویت امنیت پژوهی بومی، کشف الگوی امنیت‌ساز و مدیریت تهدیدات در سیره

ائمه اطهار (علیهم السلام) است. کاربست الگو و منطق مواجهه امام کاظم (علیه السلام) با تهدیدات نرم به دلیل تشابه آن زمانه با شرایط کنونی است. الگوی رفتاری مواجهه امام دارای دو منطق ثابت و اقتضایی است. منطق اقتضایی تابع عواملی مانند شرایط و توانایی‌ها و اهداف و انگیزه‌های تهدیدگر؛ توانایی‌ها، ظرفیت‌ها، ضعف‌ها و کاستی‌ها و شرایط تهدید شونده و شرایط تهدید و فضای حاکم بر آن خواهد بود.

نتایج مطالعه و بررسی الگوی مواجهه رفتاری امام کاظم (علیه السلام) با تهدیدات نرم به شرح ذیل است:

۱. امام کاظم (علیه السلام) با توجه به شرایط تهدید شونده، با مخاطب‌شناسی سیاسی فرهنگی، سطح فکری آماج تهدیدات یعنی توده مردم را در مواجهه با تهدیدات ارزیابی و از این طریق تصویر روشنی از توانمندی در مواجهه با تهدیدات ارائه کرد.
 ۲. امام کاظم (علیه السلام) با پافشاری بر اصل امامت و رهبری شایسته، با کار تشکیلاتی موفق به ایجاد هسته دانا، و شبکه توانا بستر و زمینه ارتقای توده‌های مردم را فراهم کرد.
 ۳. امام کاظم (علیه السلام) با حفاظت از میراث علمی فرهنگی برجای مانده از رسول خدا و امام صادق (علیه السلام) به شناسایی، کشف استعدادها و تربیت سرمایه‌های انسانی پرداخت.
 ۴. امام کاظم (علیه السلام) با مدیریت ارکان چهارگانه فرهنگ (باور، اطلاعات، گرایش و رفتار) جامعه را در مقابله با تهدیدات مصونیت بخشید.
- شایسته است:

۱. محققان الگوی فوق را در زیست‌بوم سیاسی فرهنگی رهبران فکری قابل تاسی دیگر معصومان رصد کنند و رفتارهای ثابت و اقتضایی را احصا، تبیین و تحلیل نمایند.
۲. تصمیم‌سازان عرصه سیاست و فرهنگ برای اجرای مدیریت کارآمد در مواجهه با تهدیدات نرم، با ایجاد هسته دانا و شبکه توانا الگوی فوق را به‌عنوان یکی از اسناد بالادستی مد نظر قرار دهند.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۸۷). التوحید. تصحیح و تعلیق سیدهاشم حسینی تهرانی. قم: النشر الاسلامی.
- ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۴۱۱ق). مهج الدعوات. محرر: ابو طالب کرمانی، محمد حسن. قم: دار الذخائر.
- اسد حیدر. (۱۳۹۲ق). الامام الصادق والمذاهب الاربعه. اصفهان: مکتبه الامام امیرالمؤمنین.
- البانی، عصری. (۱۳۸۸). الحیاة السیاسیه للامام کاظم. قم: المصطفی.
- ارفع، سید کاظم. (۱۳۸۹). «امام موسی کاظم (علیه السلام)». تهران: فیض کاشانی.
- اشعری، ابوالحسن. (۱۳۶۹). مذاهب الاسلامیین. قاهره: مکتبه النهضه المصریه.
- افتخاری، اصغر. (۱۳۸۹). «قدرت نرم فرهنگ و امنیت (مطالعه موردی بسیج)». تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
- _____ (۱۳۸۰). امنیت جهانی، رویکردها و نظریه‌ها. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- _____ (۱۳۹۱). تهدید نرم، رویکرد اسلامی. تهران: پژوهشکده فرهنگی و اجتماعی.
- ال بیگر، تزر. (۱۳۹۱). روش تحقیق در علوم اجتماعی. ترجمه: هوشنگ نائبی، تهران: انتشارات روش.
- امام جمعه زاده، سید جواد؛ محمود اوغلی، رضا. (۱۳۹۳). «واکاوی مواضع سیاسی امام رضا در بحران‌های اعتقادی سیاسی دوره (۲۰۳-۱۸۳ق)». فرهنگ رضوی. سال دوم. شماره ۵. صص: ۷-۳۰.
- انصاری، علیرضا. (۱۳۸۶). «شیوه‌های مبارزه سیاسی امام کاظم (علیه السلام)». معارف اسلامی. شماره ۶۹.
- بهشتی، احمد. (۱۳۹۴). مروری بر اندیشه‌های سیاسی و اخلاقی امام کاظم (علیه السلام). قم: بوستان کتاب.
- بیوکارا، م. علی. (۱۳۸۲). «دو دستگی در شیعیان امام کاظم (علیه السلام) و پیدایش فرقه واقفه». ترجمه وحید صفری. مجله علوم حدیث. شماره ۳۰. صص: ۱۶۴-۱۹۵.
- پورفرد، مسعود. «استراتژی امام کاظم (علیه السلام) و هژمونی حاکمان عباسی». مجموعه مقالات همایش سیره و زمانه امام کاظم (علیه السلام). جلد ۱. صص: ۳۵۷-۳۵۸. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- پیشوایی، مهدی. (۱۳۵۳). «جبهه‌بندی قدرت‌های وقت در برابر امام کاظم (علیه السلام)». درس‌هایی از مکتب اسلام. سال پانزدهم. مهر ۱۳۵۳. شماره ۱۰. صص: ۱۷-۲۰.
- _____ (۱۳۹۵). تاریخ پیشوایان. قم: دارالعلم.
- _____ (۱۳۹۲). علی دوست خراسانی، نورالله. (۱۳۹۲). پیشوای آزاده. قم: معارف.
- جباری، محمدرضا. (۱۳۸۲). سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____ (۱۳۹۲). «امام کاظم و سازمان وکالت». تاریخ اسلام. شماره ۵۳. صص: ۷-۴۵.
- جعفریان، رسول. (۱۳۸۱). حیات فکری و سیاسی امامان شیعه. قم: انصاریان.
- الجندی، المستشار عبدالحلیم. (۱۴۲۷ق). الامام جعفر الصادق (علیه السلام) امام المسلمین. تحقیق: کمال السید. قم: انصاریان.
- جهانبازی، زهرا؛ غفوری نژاد، محمد؛ واسعی، سید علیرضا. (۱۳۹۹). «تحلیل سازوکارهای معرفی امام رضا (علیه السلام) توسط امام کاظم (علیه السلام)». فصلنامه فرهنگ رضوی. سال ۸. شماره ۳۱. صص: ۹۹-۱۲۸.
- چلونگر؛ محمدعلی؛ نجاتی، محمدسعید. (۱۳۹۴). «بررسی رویکردهای سیاسی و معنوی امامت شیعه در زندگی امام کاظم

- (علیه السلام). تاریخ اسلام، دوره ۱۹، شماره ۶۱، صص: ۷-۲۹.
- حسن پور، سید عبدالکریم. (۱۳۹۲). «امام رضا در مواجهه با اندیشه و عمل واقفیان». فصلنامه فرهنگ رضوی، سال اول، شماره ۴، صص: ۱۴۳-۱۶۸.
- حسینی، سید محمد. (۱۳۹۲). «سیره فرهنگی امام کاظم (علیه السلام)». مجموعه مقالات همایش سیره و زمانه امام کاظم (علیه السلام). جلد ۱، صص: ۳۵۷-۳۵۸. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- خامنه ای، سید علی. (۱۳۹۰). انسان ۲۵۰ ساله. تهران: موسسه فرهنگی ایمان جهادی.
- دیمه کارگراب، محسن؛ ملاکاظمی، علی. (۱۳۹۶). «واکاوی مواجهه امام رضا با گفتمان حدوث و قدم». فصلنامه فرهنگ رضوی، دوره ۵، شماره ۱۸، صص: ۱۴۵-۱۷۸.
- رضایی آدریانی، محمد. (۱۳۸۹). آیین برنامه سازی زندگی امام کاظم (علیه السلام). قم: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.
- رضوی، نجمه. (۱۳۹۷). «منش سیاسی امام کاظم (علیه السلام) در برخورد با خلفا هم عصرشان». رهیافت فرهنگ دینی، دوره ۱، شماره ۴، صص: ۵۱-۸۴.
- سامی نشار، علی. (۱۹۷۷م). نشأه الفكر الفلسفی فی الاسلام. قاهره: دارالمعارف.
- سرافرازی، عباس. (۱۳۹۲). «امام کاظم (علیه السلام) و فرقه های انحرافی». مجموعه مقالات همایش سیره و زمانه امام کاظم (علیه السلام). جلد دوم، صص: ۹۹-۱۲۳. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- سرمد، زهره؛ بازگان، عباس؛ حجازی، الهه. (۱۳۸۳). روش های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: موسسه نشر آگه.
- شجاعی فرد، محمد مهدی. (۱۳۹۳). «مدیریت و سبک زندگی سیاسی فرهنگی امام موسی کاظم (علیه السلام) با تکیه بر نقش امام درگسترش فرهنگ و تمدن اسلامی». دومین کنفرانس بین المللی مدیریت چالش ها و راهکارها. شیراز.
- صرامی، سیف الله. (۱۳۹۲). «گونه شناسی روایات سیره اجتماعی سیاسی امام کاظم (علیه السلام)». مجموعه مقالات همایش سیره و زمانه امام کاظم (علیه السلام). جلد اول، صص: ۲۷۹-۳۰۹. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- طبری، عماد الدین. (۱۳۸۳). کامل بهائی. تحقیق اکبر صفدری قزوینی. تهران: مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). اختیار معرفه الرجال. محقق: مصطفوی، حسن. مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه.
- _____ (۱۳۷۷ق). التهنید، طبع نجف: دارالکتب الاسلامیه.
- _____ (۱۴۱۵ق). رجال. تحقیق جواد القیومی. قم: النشر الاسلامی.
- عرب ابوزید آبادی، عبدالرضا. (۱۳۹۲). «اندیشه سیاسی امام کاظم (علیه السلام)». مجموعه مقالات همایش سیره و زمانه امام کاظم (علیه السلام). جلد اول، صص: ۴۲۳-۴۶۹. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- _____ (۱۳۸۴). «سیمای اقتصادی امام هفتم (علیه السلام)». معرفت، ش ۸۹، صص: ۳۱-۵۲.
- فیض کاشانی، محمد محسن. (۱۴۰۶ق). الوافی. اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام).
- قاضوی، سید حسن؛ بیات، علی. (۱۳۹۲). «گفتمان و زمانه سیاسی امام موسی کاظم (علیه السلام)». فصلنامه علمی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دوره ۴، ش ۱۳، صص: ۷۹-۹۲.
- قاضوی، سید حسن. (۱۳۹۴). «بررسی ابعاد توفیق امام کاظم (علیه السلام) در حفظ و گسترش تشیع». پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، دوره ۴۸، شماره ۲، صص: ۱۶۷-۱۸۵.
- قاضوی، سید حسن؛ بیات، علی. (۱۳۹۲). «راهبرد و مواضع سیاسی امام کاظم (علیه السلام) در مقابل خلفای عباسی». مجموعه مقالات

- همایش سیره و زمانه امام کاظم (علیه السلام). جلد اول. صص: ۵۳۴-۵۵۷. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- القرشی، باقر شریف. (۱۴۱۳ق). حیات الامام موسی بن جعفر. بیروت: دار البلاغه.
- قمی، شیخ عباس. (۱۳۹۷). نگاهی به زندگی امام موسی بن جعفر. به کوشش سعید محمدی. تهران: افروید.
- قوجائی خامنه، مریم. (۱۳۹۷). «احتجاجات قرآنی امام موسی کاظم (علیه السلام) با برخی جریان‌های انحرافی». نامه جامعه؛ فصل نامه علمی تخصصی معارف اسلامی. س ۱۶. ش ۱۲۶. صص: ۷-۲۴.
- کاظم‌پور، ذکریا؛ بهرامی، محسن. (۱۳۹۷). «الگوی ارزیابی تهدیدات هوشمند آینده به روش تحلیل کالبدی تهدید». آینده پژوهی دفاعی. سال سوم. شماره ۱۰. صص: ۱۲۱-۱۴۷.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۹ق). الکافی. قم: دار الحدیث.
- _____ (۱۴۰۷ق). الکافی. مصحح: علی اکبر غفاری. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- کیوی ریمون؛ لوک وان کامپنهود. (۱۳۹۳). روش تحقیق در علوم اجتماعی. ترجمه نیک گهر. تهران: فرهنگ معاصر.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محمد جعفری، رسول. (۱۳۹۵). «امام رضا و مواجهه با برداشت‌های ناصواب اهل حدیث از صفات خیره». فصلنامه فرهنگ رضوی. شماره ۱۴. صص: ۵۷-۷۴.
- مشکور، محمد جواد. (۱۳۶۸). فرهنگ فرق اسلامی. مشهد: آستان قدس رضوی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۹). سیری در سیره نبوی. تهران: انتشارات صدرا.
- _____ (۱۳۷۲). مجموعه آثار. ج ۱۸. تهران: انتشارات صدرا.
- _____ (۱۳۷۷). مجموعه آثار. ج ۱۶. تهران: انتشارات صدرا.
- منتظر القائم، اصغر. (۱۳۹۲). «دگرگونی‌های فکری و فرهنگی عصر امام کاظم (علیه السلام)». مجموعه مقالات همایش سیره و زمانه امام کاظم (علیه السلام). جلد دوم. صص: ۳۰-۵۸. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- نادری، عزت‌الله؛ سیف نراقی، مریم. (۱۳۹۴). روش‌های تحقیق در علوم انسانی. تهران: ارسباران.
- نجفی نژاد، سعید. (۱۳۹۷). «حیات فرهنگی امام موسی کاظم (علیه السلام)». پنجمین کنفرانس ملی پژوهش‌های کاربردی علوم انسانی اسلامی. گرگان. <https://civilica.com/doc/۸۲۹۱۵۵>. تاریخ مشاهده: ۱۴۰۱/۷/۳۰.
- نوری، حسین. (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).

منابع لاتین

- Balamir, murat. (2002) "painful steps of progress from crisis planning: changes for disaster preparedness in turkey" journal of contingencies and crisis management, no1.
- Richard A Johnson and others (1979) *The Theory and mangement of systems 3th. ed* (New York: Mcgrow - Hill, p.19
- z. klein, (1989), *sitting postures in maies and females*, semiotica, pp 131-119.